



جهت علم در اسلام / علم دارای دو جهت ذاتی و ابزاری است

جهت ذاتی علم «آشنا و آگاه کردن انسان به واقعیاتی که آتش اشتیاق وصول به آن ها در نهاد همه انسان ها زبانه می کشد.» اما جهت ابزاری علم به خدمت گرفتن یا در مسیر رسیدن به هدف دیگر قرار دادن است.

جهت ذاتی علم «آشنا و آگاه کردن انسان به واقعیاتی که آتش اشتیاق وصول به آن ها در نهاد همه انسان ها زبانه می کشد.» اما جهت ابزاری علم به خدمت گرفتن یا در مسیر رسیدن به هدف دیگر قرار دادن است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر یادداشتی از حجت الاسلام مهدوی زادگان است که از نظر می گذرد؛

اندیشمندان در یکی دو قرن اخیر، مباحث پیرامونی زیادی درباره علم مطرح کرده اند. از جمله این بحث ها، مساله جهت علم است. مرحوم علامه محمد تقی جعفری که همواره دغدغه پاسخ اسلامی به مسائل زمان را داشت، به این مساله، ورود پیدا کرده است. ایشان پرسش را این گونه طرح می کند: «آیا علم در اسلام لزوماً باید جهت خاصی داشته باشد؟»

به عقیده علامه جعفری (ره) علم دارای دو جهت ذاتی و ابزاری است. جهت ذاتی علم عبارت است از «آشنا و آگاه کردن انسان به واقعیاتی که آتش اشتیاق وصول به آن ها در نهاد همه انسان ها زبانه می کشد.» اما جهت ابزاری علم به خدمت گرفتن یا در مسیر رسیدن به هدف دیگر قرار دادن است. علامه جعفری هیچ ابایی از این ندارد که بگوید اسلام به جهت ابزاری علم، توجه دارد. ایدئولوژی ها سعی در کتمان این حقیقت دارند و فقط به ارزش ذاتی علم، توجه می دهند ولی فی الواقع جهت ابزاری علم را قبول دارند.

پس، باید صراحت در بیان داشت؛ آن چنان که علامه جعفری در صدد بیان نظر صریح اسلام است. تعیین جهت ابزاری برای علم فی نفسه امر بد یا غیر اخلاقی نیست بلکه باید بد و خوب آن را در قیاس با جهت ذاتی علم، معلوم کرد. ارزش جهت ابزاری هم می تواند بالاتر از ارزش ذاتی خود علم باشد و هم پایین تر از آن. پس، باید معلوم کرد که آیا چیزی بالاتر از علم قابل تصور است یا خیر.

گروهی که ارزش ابزاری علم را انکار می کنند، لاجرم، معتقدند که امری بالاتر از خود علم نیست تا علم معطوف به آن شود. بنابر این، حیات واقعی انسان در علم است. اگر انسان مشتاق زندگی سالم و درست باشد؛ باید پذیرای «حیات علمی» باشد. در حیات علمی تمام کنش های انسانی معطوف به علم است. به عبارت دیگر، در حیات علمی همه مشغول کشف واقعیت هستند و هر کس که نخواهد چنین باشد یا ناتوان از علم جویی باشد؛ چاره ای جز خروج از جامعه علمی ندارد.

ظاهراً علامه جعفری (ره) این نوع حیات را به دلیل ناممکن بودن آن، مورد توجه قرار نداده است. در واقع، عدم مطلوبیت حیات علمی را به وضوح آن احاله کرده است. حال، باید معلوم کرد که آیا می توان امری را تصور کرد که بالاتر از ارزش ذاتی علم است تا حیاتی از جنس همان امر طلب کنیم. علامه جعفری (ره) به دو امر اشاره می کند؛ عقل و طبیعت. به همین اعتبار، می توان از دو نوع حیات، سخن گفت: حیات معقول و حیات طبیعی. اما کدام یک از این دو بالاتر از ارزش ذاتی علم است تا به عنوان جایگزین شایسته حیات علمی شناسایی شود.

علامه جعفری حیات طبیعی معمولی را مشترک میان همه جانداران می داند. معنای «جانور» آن است که: «اصل آن، برپایه خود محوری استوار شده است که از قانون صیانت ذات شروع می شود. این حیات، همان است که هیچ اصل و منطق و ارزشی را جز جلب سود شخصی و رفع ضرر شخصی و ادامه خود در وضع مطلوب، به رسمیت نمی شناسد. این حیات، هرچه را که «جز خود» است، در خارج از منطقه درک و خواسته های خود قرار می دهد.» این معنا در همه جانوران وجود دارد.

اما این معنا در انسان چگونه است: «اگر در کالبد انسانی [معنای «جانور»] باشد و از هوش و درک و اندیشه برخوردار شود، میدان بس وسیع تری برای خود و اشباع خواسته های خود آماده می کند.» اما، آیا طبیعت از ارزش ذاتی علم بالاتر است تا بر حیات علمی رجحان پیدا کند به نحوی که جهت ابزاری علم بر جهت ذاتی آن برتری داشته باشد. پاسخ این مساله را باید با جدیت از طرفداران حیات طبیعی جویا شد. یعنی باید از روشنفکران و ایدئولوگ های دنیای مدرن پرسید. زیرا حیات مدرن همان حیات طبیعی است و معنای «جانور» بر آن کاملاً صادق است.

علامه جعفری (ره) از «حیات معقول» دفاع می کند و آن «عبارت است از زندگی ای که بتواند پاسخ گوی همه ابعاد مثبت

انسانی باشد.» این حیات مستند به بینه و برهان است و قرآن کریم دعوت گر همین نوع از حیات است : «یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله و للرسول إذا دعاکم لما یحییکم.» (انفال : ۲۴) ایشان در تفسیر حیات در این آیه شریفه می گوید: «مسلم است که [این آیه] بشریت را به خور و خواب و خشم و شهوت و عیش و عشرت که مختصات دقیق حیات طبیعی معمولی است دعوت نمی کند، زیرا تمایل مردم به آن مختصات، یک تمایل صد در صد طبیعی بوده، احتیاج به دستور و توصیه و پیکار و تلاش ندارد، بلکه مقصود یک حیاتی است که با اندیشه و تعقل و اختیار اشباع شود؛ این است «حیات معقول».

بنابر این، اسلام از حیات معقول دفاع می کند. جهت ابزاری دیدن علم در اسلام موجب نفی جهت ذاتی علم نمی شود. اسلام چگونه می تواند دانشمندان و محققان را در رسیدن به واقعیات، به طرق و استدلال های مخصوص مقید نماید، در حالی که طرق و دلایل خدا یابی را بی نهایت معرفی می کند؟ در حیات معقول همه علوم و مسائل و قوانین و اصول آن ها، معنا و مفهوم والاتری پیدا می کنند. علم قادر به حفاظت از خود نیست ولی حیات معقول از علم برابر چشم های ناپاک محافظت می کند. بدین ترتیب، علامه جعفری (ره) با صراحت می گوید که علم در اسلام جهت خاصی پیدا می کند و آن جهت والایی به نام «حیات معقول» است.

منبع جعفری محمد تقی ، علم و دین در حیات معقول، ۱۳۸۴ : ۶۰ ۶۹